شماره ۴۲ از تاریخ ۱ تا ۸ تیر / ۷ الی ۱۴ شوال
هفته‌نامه خبری رحمت

هفته نامه رحمت خبری

ادامه اعتصاب بازاریان و عدم امنیت اقتصادی مردم ایران

اهل سنت ایران بین رنج و امید

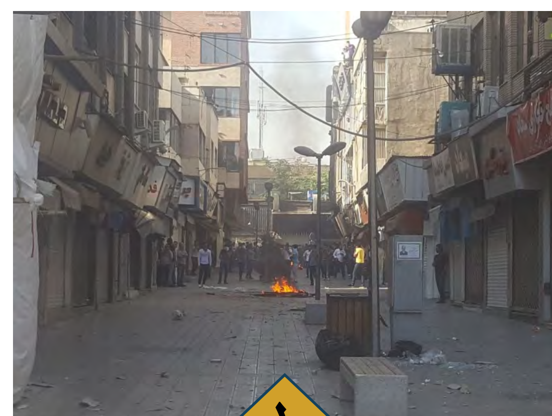


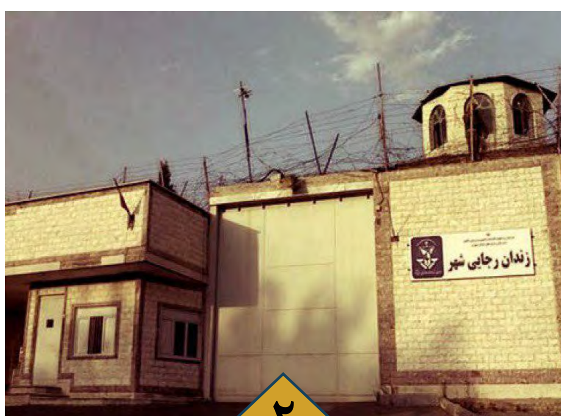
تاریخ اهل سنت در ایران به قدری پر فراز و نشیب است که نظاره‌گرش را از اینکه به یکباره چه بر سر اهل سنت آمد که از اوج قدرت و رهبری جامعه ی ایران و بلکه امت اسلام به قربانیِ دست و پا بسته‌ای در مسلخگاه صفوی‌ها تبدیل گشتند، به حیرت و تامل وا می‌دارد. اهل پژوهش و مطالعه به خوبی می‌دانند که غالبا سعی می‌شود تا عامل تمام رنج و مصیبت‌ها با توجیهی غیر دقیق و نسنجیده، دشمن معرفی شده و از کوتاهی و تقصیر خود و پدرانمان در آن دوره سخنی به میان نیاید درحالی که روش صحیح و ربانی در تحلیل و بررسی شکست‌ها نگاه در کوتاهی‌ها و خلل‌های داخلی می‌باشد نه توجیه و مقصریابی خارجی و .....

۱ اقتصاد زیر فشار چکمه و باتوم؛ ولی الحمدالله همه چیز خوب است!

۲ بیانیه زندانیان عقیدتی سیاسی زندان رجایی شهر کرج در اعتراض تجاوز به ۴۱ دختر اهل سنت در شهرستان ایرانشهر

۳ رنجنامه زندانی عقیدتی سیاسی اهل سنت "حمزه درویش" محبوس در زندان رجایی شهر


۱



۲


۳



ماموستا عبدالرحمن فتاحی -حفظه الله

فروپاشی حکومت فاطمیان (رافضی) پس از ۳۰۰ سال فرمانروایی و صرف هزینه‌های جانی و مالی هنگفت در راستای حاکم کردن مذهب رافضی و دیگر برنامه‌هایشان، دلیل واضحی است بر اینکه آنها هرگز نمی‌توانند در نشر و تبلیغ و تحمیل افکار و مذهبشان موفق شوند حتی اگر صاحب دولت و حکومت هم باشند ...

و تاریخ، بزرگترین شاهد و گواه بر این ادعاست ...

اما چرا ؟

چون در مسیر مخالفت با شریعت الهی حرکت می‌کنند.

چون شرك می‌ورزند و داعیان آن هستند.

چون مانند یهود اهل نیرنگ و غدر و خیانت هستند.

چون دروغگو و اهل تقیه هستند و منهج آنها با فطرت توحیدی انسان در تضاد است و ...

اهل سنت ایران بین رنج و امید

تاریخ اهل سنت در ایران به قدری پر فراز و نشیب است که نظاره‌گرش را از اینکه به یکباره چه بر سر اهل سنت آمد که از اوج قدرت و رهبری جامعه ی ایران و بلکه امت اسلام به قربانیی دست و پا بسته‌ای در مسلخگاه صفوی‌ها تبدیل گشتند، به حیرت و تامل وا می‌دارد.

اهل پژوهش و مطالعه به خوبی می‌دانند که غالبا سعی می‌شود تا عامل تمام رنج و مصیبت‌ها با توجیهی غیر دقیق و نسنجیده، دشمن معرفی شده و از کوتاهی و تقصیر خود و پدرانمان در آن دوره سخنی به میان نیاید درحالی که روش صحیح و ربانی در تحلیل و بررسی شکست‌ها نگاه در کوتاهی ها و خلل‌های داخلی می‌باشد نه توجیه و مقصریابی خارجی و نباید این برهه ی تاریخی بدون مطالعه ی علمی رها شود در حالی که شناخت عوامل شکل دهنده یا زمینه ساز این قهقرایی که حاصل شد بسیار حائز اهمیت است به خصوص در شرایط کنونی که اهل سنت در یک مرحله ی حساس در دو سطح جهانی از سوی امت و منطقه‌ای در ایران قرار دارد از این جهت سوالی که می‌تواند ما را در رسیدن به این هدف یعنی شناسایی علل درونی به حاشیه رانده شدن اهل سنت از صحنه‌ی رهبری ایران کمک کند این است که بپرسیم چرا و به چه علت؟ کوتاهی در کدامین جوانب سبب این بحران شد؟

ارتباط این مقدمه به آنچه که در حال حاضر بر سر اهل سنت می‌گذرد همچون ارتباط مهره‌های دومینویی است که پشت سرهم سبب سقوط یکدیگر می‌شوند و اصطلاحا تسلسل حوادث تاریخی را شکل می‌دهند چندین نسل باید بهای کوتاهی یک نسل از پدران را بپردازند و به همین ترتیب در نقطه ی مقابلش فداکاری یک نسل از پدران سرافرازی و آسایش چندین نسل از فرزندان را به ارمغان می‌آورد و این امر بر هیچ فرد آگاه از تاریخ پوشیده نیست پس ما امروز در مقابل نسل آینده مسوولیم.

متاسفانه اثر روانی سرکوب‌ها و نسل کشی ها گویی از نسلی به نسل دیگر از طریق ژنتیک منتقل شده و می‌شود و چنین به نظر می‌رسد این امر سبب شده که اهل سنت در حاشیه بودن و ماندن را بپذیرد و هیچ طرح و برنامه‌ای برای بازپس‌گیری این امانت به سرقت رفته و بازگردان امور به نصاب صحیح ندارد که باید این هاره ی وحشت و انزوا شکسته شود از این جهت سوالی که باید بر نخبگان و جوانان اهل سنت به صراحت مطرح شود اینکه آیا فکری برای جبران کوتاهی تاریخی نسل‌های گذشته و کنونی دارید؟ یا نا امید و شکست خورده تا ابد باید به این وضعیت بغرنج تن دهیم؟ در اینجا هدف جهش از مراحل ابتدایی به مراحل انتهایی و نادیده گرفتن ضعف‌ها و خطرات موجود و دعوت به اقدام عجولانه نیست چرا در شرایط سخت و شکننده کشور و ضعف موجود در اهل سنت حفظ موجودیت می‌تواند اولویت اول باشد بلکه مقصد از ذکر این نکته یادآوری هدف و مسوولیت و برانگیختن انگیزه ی عمل برای ادامه ی مسیر می‌باشد.



در شرایط کنونی که ایران هر لحظه انتظار اتفاقات تاریخ ساز را می‌کشد تا از بند اشغالگران دست‌نشانده ی استعمار شرق و غرب رها شود با این همه خطرات جدی در کمین جامعه ی اهل سنت می‌باشد که اگر هوشیاری کافی نبوده و آگاه‌سازی لازم از سوی بزرگان صورت نگیرد هر آن ممکن است آتش کینه ی جنایتکاران ولایت فقیه بر سرش ببارد تا فرصت پیش آمده برای گذر از مرحله‌ی استضعاف را از آن سلب کند.

و این امر وحشت افکنی بیهوده در بین مردم نیست بلکه شواهد تاریخی و عقیدتی و نمونه ی کنونی آن در سوریه و عراق آن را به برهان روشن و غیر قابل انکار بدل ساخته است .

سیر تمام حوادث به سوی سقوط رژیم جهت گیری کرده است تا جایی که همپیمانان سری رژیملی از سویی ناکارآمدی و پوسیدگی تنه ی آن و عمیق‌تر شدن نارضایتی‌های مردمی معادله ی پشتیبانی را بیهوده ساخته است از این رو غرب به شدت در پی راه خروجی از این مشکل می باشد. در نتیجه امکان تغییر یا سقوط رژیم و حتی جنگ داخلی در ایران دور از انتظار نیست و به همین سبب اهل سنت در این میان با آگاهی تمام باید در جهت تحقق اهداف و باز پس‌گیری حقوقشان حرکت کرده و خود را قربانی به تاج و تخت رسیدن دیگران نکنند و باید اشاره کرد که اوضاع ایران و به تبع آن وضعیت جامعه ی اهل سنت به قدری پیچیده و تو در تو است که نمی‌توان این معادله ی چند مجهولی را با یک مقاله ی کوتاه حل و فصل کرد و ضرورت یک مرکز تحقیقات استراتژیک که به طور تخصصی به مسایل اهل سنت ایران بپردازد احساس می‌شود تا نخبگان را در جهت تصمیم‌گیری صحیح و سیاست گذاری و شناخت خطرات یاری کند.

شاید جوانان نخبه ی اهل سنت در جهت تحقق این مهم قدم بردارند.

سعدی شیرین سخن در وصف دوراندیشی چنین می‌سراید :

مکن خانه بر راه سیل،ای غلام
که کس را نگشت این عمارت تمام
نه از معرفت باشد و عقل وراى
که بر ره کند کاروانی سرای

وخامت شدید بینایی زندانی عقیدتی اهل سنت زندان رجایی شهر کرج عبد الرحمن سنگانی

عبدالرحمن سنگانی زندانی عقیدتی اهل سنت رجایی شهر کرج که ناحیه چپ بدنش کلا از کار افتاده است و مدت زیادی است از مشکل بینایی رنج می‌برد اما بارها با پیگیری و مکاتبات با مدیریت زندان و بهداری زندان برای اعزام به مراکز درمانی جهت درمانی فوری و اورژانسی اقدام کرده اما از اعزام ایشان ممانعت بعمل آورده‌اند و آخرین بار سه ماه قبل که خواستند ایشان را جهت درمان به مراکز درمانی بیرون زندان اعزام نمایند توسط شعبه اعزام و سرپرست



زندان رجایی شهر کرج غلامرضا ضیایی و مسئول حفاظت فیزیکی زندان سرگرد زولف علی و ستوان مولودی و سرهنگ کریمی و چندی دیگر از مسئولین مربوطه از اعزام ایشان جلوگیری شده بود و هم اکنون هر دو چشم ایشان به شدت عفونت کرده و در معرض کور شدن و از دست دادن بیناییش است. از تمام علما و بزرگان اهل سنت و فعالین سیاسی خواستاریم که نسبت به این ظلم و جور حکومت ایران موضع گیری کرده و اقدامات جدی اتخاذ نمایند.

اقتصاد زیر فشار چکمه و باتوم: ولی الحمدالله همه چیز خوب است!

صفحه اول

رحمت - ایران

محمود صادقی نماینده اصلاح‌طلب مجلس در توییتی نوشته «حسن روحانی باید به جامعه پالس توانایی فائق آمدن بر مشکلات را بدهد؛ ترمیم کابینه در جهت افزایش جسارت، انسجام بین بخشی و تقویت تیم اقتصادی راهکار مناسبی به نظر می‌رسد.» او و خیلی دیگر از حامیان روحانی هنوز باور دارند باید به جامعه «امید» تزریق شود و گمان می‌کنند همچنان امیدوار بودن مردم و جابجایی چند وزیر، کلید حل بحران های پیچیده و روزافزون اقتصادی است!

هزاران نفر از کسبه و فروشنده‌ها که اغلب آنها جوان هستند چند روز است به جای آنکه مثل کشورهای دیگر دنیا زیر سایه ثبات اقتصادی و سیاسی به فکر زندگی خود باشند باید برای امروز خود مبارزه کنند.

با گسترش اعتصاب‌ها و اعتراض‌های دامنه دار در دو روز گذشته میان بازاریان و کسبه ی صنوف مختلف، در داخل نظام پیشنهادات مختلفی ارائه می‌شود تا شاید دولت و فراتر از آن نظام بتواند با عمل به آنها خود را از مخمصه‌ای که گرفتارش شده و هر روز وخیم‌تر می‌شود نجات دهد، حتی اگر راه‌حل یک مُسکّن موقت باشد چنانکه علی مطهری نایب رییس مجلس از مردم مهلت خواست که شش ماه صبر کنند تا وضعیت بهتر شود! ولی بر اساس کدام برنامه و چشم‌انداز؟ کسی خود را موظف به توضیح نمی‌داند.

با اجرای تحریم‌های ثانویه آمریکا از چند هفته‌ی دیگر انسداد نفتی ایران نیز آغاز می شود. ولی اثر آن تحریم‌ها پیشاپیش بازار را به عنوان نبض اقتصاد داخلی به شدت ضعیف کرده و آن را به کما فرو برده است.

مجلس روز سه‌شنبه، ۵ تیرماه ۹۷، برای اینکه فکری به حال اعتصابات بکند جلسه غیرعلنی تشکیل داده است. «هیأت‌عالی نظارتِ مجمع تشخیص مصلحت نظام» نیز به ریاست محسن رضایی تشکیل جلسه داده و کرباسیان وزیر اقتصاد در این جلسه حضور داشته است اما بحران زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که همزمان گروهی با وزیر اقتصاد جلسه می‌گذارند تا راهی برای فرار از مشکلات پیدا کنند و گروهی دیگر تقصیر وضعیت را به گردن کرباسیان می اندازند و در پی استیضاح و عزل وزیر اقتصاد هستند. وزیری که سه چهار روز پیش در پاسخ به خبرنگار صدا و سیما در مورد وضعیت بازار گفت: الحمدالله خوب است! در همین حال به دنبال یافتن یک مقصر که بتوان فعلا کاسه و کوزه‌ها را بر سر وی شکست، علی‌اصغر یوسف‌نژاد عضو هیات رییسه مجلس خبر داده استیضاح وزیر اقتصاد با ۰۵ امضا تقدیم هیات رییسه شده است. در این طرح ۱۶ دلیل برای استیضاح کرباسیان ذکر شده:

عدم توانایی در تدوین و اعمال سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور، ناتوانی در اداره امور اقتصادی کشور، عدم اعمال تکالیف قانونی در حوزه فعالیت‌های بانکی، عدم اجرای برنامه‌های اعلامی در زمان اخذ رای اعتماد از مجلس، عدم تدبیر لازم در سازماندهی اقتصادی کشور، عدم اجرای عادلانه نظام مالیاتی کشور به نحوی که بیشترین فشار مالیاتی به واحدهای تولیدی و اقشار کم درآمد وارد می‌شود، عدم توجه به اقتصاد مقاومتی، عدم تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب در حمایت از تولید داخلی، عدم توانایی در مردمی‌سازی اقتصاد و تقویت توان تولید ملی، عدم توانایی در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد کشور، عدم توانایی در افزایش ثروت عمومی، عدم مشارکت فعال در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و اقتصادی و مالی کشور، عدم مدیریت مناسب بازار سرمایه - گمرک - مالیات - بیمه و خزانه داری کشور، عدم نظارت مالی صحیح بر صحت جریان عملیات مبادلات اقتصادی کشور، عدم برنامه‌ریزی صحیح جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بی‌توجهی به آن.

چنین تصوری که مجموعه‌ی این مشکلات به شخص وزیر اقتصاد باز می‌گردد و نه به



ساختار نظام و سیاست‌های کلان ایران در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی، بیشتر بیانگر این نکته است که مسئولان نه به دنبال راه حل‌های بنیادین بلکه در پی مقصر دانستن یکدیگر و سیاست «از این ستون به آن ستون فرج است» هستند.

بحران‌های اقتصادی که ایران با آن دست به گریبان است از یک سو ریشه‌های قوی و عمیق در سوء مدیریت و بی‌کفایتی مزمن دارد که ۴۰ سال است به قوّت خود باقی است و از سوی دیگر ریشه‌های سیاسی آن را می‌بایست در رأس نظام جست. اما زمامداران ایران همواره ترجیح داده‌اند به جای حل مسئله، صورت آن را پاک کنند و اینطور وانمود کنند که «الحمدالله» مسئله ای وجود ندارد و همه چیز خوب است.

در یک نمونه‌ی کاملا تازه، در تهران روز سه شنبه پنجم تیرماه همزمان با اعتصابات گسترده در بازار همایش سراسری قوه قضاییه برگزار شده که رؤسای سه قوه در آن حضور داشتند. روحانی در سخنانی کاملا عجیب گفته «کمبود واقعی نداریم و اطمینان می‌دهیم مردم در نیازمندی‌های روزانه مشکلی نخواهند داشت»! وی آنچه را در بازار تهران و دیگر شهرهای ایران می گذرد «سیاه نمایی» نامید و تاکید کرد «اگر امید و اعتماد در مردم زنده بماند، هر مشکلی قابل حل و فصل است»! اینها سربازان و افسران جوانی هستند که باید به روی هم‌سن و سال‌های خود باتوم بکشند و گاز اشک‌آور و گلوله پلاستیکی شلیک کنند تا صدای آنها را که فقط تأمین معاش و امنیت شغلی می‌خواهند خفه کنند.

اعدام: راه حل مشکلات اقتصادی: در همین همایش صادق آملی لاریجانی رییس قوه قضاییه نیز دیوار حاشا را چنان بالا برده که قابل تصور نیست. وی با خودفریبی شگفت انگیزی گفته اقتدار بالای نظام ایران در منطقه و دنیا به همراه توانمندی‌های دفاعی و علمی امروز بی‌بدیل و مثال‌زدنی است! و سپس با دادن آدرس عوضی، طرح اعدام اخلالگران اقتصادی را مطرح کرده و می گوید: «این افراد با ریختن پولشان در بازار و جمع کردن دلار و سکه می‌خواهند بازار را ملتهب کنند و نیروهای اطلاعاتی باید تلاش کنند این افراد را شناسایی کنند.»

آملی لاریجانی همچنین گفته «این اقدامات خیانت به مردم و خیانت به نظام است و ما به هیچ عنوان کوتاه نیامده و با این افراد برخورد می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که این کار به عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور مجازات سنگینی دارد و اگر مصداق افساد فی الارض باشد اعدام برایشان در نظر می گیریم و هیچ کوتاهی هم در اجرای قانون نخواهیم داشت.» یک روز پیش از این سخنان، حسین شریعتمداری در کیهان چاپ تهران نیز عنوان کرده بود که راه حل مشکلات اقتصادی، اعدام و مصادره است!

در این میان، محمد کاظمی عضو کمیسیون قضایی مجلس از روحانی انتقاد کرده که چرا با مردم سخن نمی‌گوید؟! تعدادی دیگر از نمایندگان نیز موعظه کرده‌اند که چرا روحانی تصمیم انقلابی نمی‌گیرد؟!

محمدجواد ظریف وزیر خارجه ایران روز یکشنبه، سوم تیرماه، با فعالین اقتصادی در اتاق بازرگانی ایران دیدار کرد و به تشریح وضعیت ایران پس از خروج آمریکا از برجام پرداخت. سخنان او طولانی بود اما دو بخش آن بازتاب بسیار زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت و تا نیمه‌های شب در توییتر و گروه‌های تلگرامی شهروندان ایرانی

صفحه دوم

داخل و خارج از کشور دربارەی آن صحبت می‌کردند. ظریف در بخش از این سخنرانی گفت «آمریکایی‌ها مجاری تنفسی ما را شناسایی کردند، اگر به اندازه کافی شناسایی نکرده بودند با دستگیری رضا ضراب و پسر آقای صدرهاشمی اینها را شناسایی کردند.» آمریکا هر دوی این افراد را بازداشت کرد و شبکه‌های مالی را که از طریق آن رژیم تهران تحریم‌های آمریکا را دور می‌زده است لو رفت. وزیر خارجه ایران همچنین در بخش دیگری هشدار داد «ما در ایران از اصولگرا، اصلاح‌طلب، بی‌خط، مخالف حکومت شیعی ولایت فقیه، مخالف دولت همه در یک کشتی هستیم. هدف نه نظام است، نه دولت روحانی، بلکه هدف ایران است. این ایران است که برای بعضی اهداف و تمایلات، مانع است»!

ظریف مدعی شد "می‌خواهند ایران را نابود کنند، خیال نکنید اگر روحانی رفت، اصولگرا موفق می‌شود، بعضی‌ها خیال نکنند اگر ایران رفت آنها سر کار می‌آیند" ظریف اما اصلا به روی خودش نیاورد که شرایط کنونی را نظام حکومت شیعی ولایت فقیه به وجود آورده است! حتی اگر کشورهایی به ادعای او «می‌خواهند ایران را نابود کنند» از برکت وجود بی‌کفایت و بی‌لیاقت و ویرانگر حکومت شیعی در ایران است. این نکته‌ای است که مسئولان نظام هرگز به روی خود نمی‌آورند: مسبب هر فاجعه‌ای که از چهل سال گذشته برای ایران رخ داده و ممکن است رخ دهد، نظام ولایت فقیه شیعی و زمامداران آن هستند.

آنچه ظریف در دیدار با فعالین اقتصادی گفت در خبرگزاری فارس بطور کامل منتشر شد اما ایسنا بخش‌هایی را که نام ضراب و صدرهاشمی آورده شده سانسور کرد.

بحران‌های موجود چنان کار را بر نظام سخت کرده که چند روزی است اغلب مقامات رژیم روی شعارهایی مثل «لزوم وحدت» و «همگرایی» و «اتحاد» مانور می دهند و هر کدام برای طرف دیگر در این زمینه موعظه می‌کند اما همگی آنها یک حرف مشترک دارند و آن هم حفظ کشتی به شدت سوراخ نظام است. از سوی دیگر، غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل گفته «در برهه‌ای که دشمن جنگ اقتصادی به راه انداخته ضروری است تا اصلاح‌طلبان و اصولگرایان روزه سیاسی گرفته و وحدت ملی را حفظ کنند.»

اسحاق جهانگیری معاون اول دولت نیز صبح یکشنبه طی جلسه‌ای در مجلس اعترافات مهمی کرد: «[...] ضربه زدن به حمل و نقل کشور در دستور کار دشمن است، اولین تحریم‌ها مربوط به هواپیمایی، حمل و نقل دریایی و بیمه‌های مرتبط با حمل و نقل دریایی است [...] اکنون فشار جدی وجود دارد که بخش صنعت و کارخانه ها به تعطیلی کشانده شود. ضربه زدن به حمل و نقل کشور در دستور کار دشمن است، اولین تحریم‌ها مربوط به هواپیمایی، حمل و نقل دریایی و بیمه‌های مرتبط با حمل و نقل دریایی است .» جهانگیری همان فردی است که در جریان مناظره‌های انتخاباتی ادعا کرد دولت سهام عدالت را واقعی می‌کند و قول داد که ۵۰ میلیون نفر سهامدار کارخانه‌ها می‌شوند و لذت سهامدار شدن را می‌چشند و همچنین وعده داد هیچ ایرانی نخواهد بود که نیازمند باشد!

در این گیر و دار علی مطهری نایب رییس مجلس هم گفته «از خارج به دولت فشارهایی در حال وارد شدن است تا ایران زانو زده و پای میز مذاکره برود، اگر مردم ۶ ماه مقاومت کنند، وضعیت اقتصادی بهتر خواهد شد»! او تاکید کرده دولت باید با زبان ساده با مردم صحبت کند و بگوید در چه شرایطی هستیم و ریشه گرانی‌ها در چیست و دست دولت چقدر باز است و خودش از خود خودش بگوید؛ در این صورت، به ادعای علی مطهری، مردم نیز از دولت قبول می‌کنند. فاطمه ذوالقدر از فراکسیون امید نیز گفته «شرایط اقتصادی حال حاکم کشور نشان می‌دهد که تیم اقتصادی دولت نتوانسته کارایی لازم را داشته باشد. کتمان واقعیت‌ها، سکوت و ندیدن جنگ اقتصادی صرفا چاله را به چاه تبدیل می‌کند.»

بازار پایتخت قلب اقتصاد داخلی است که نبض آن تقریبا ایستاده است. بازاری‌ها می گویند ادامه این وضع ممکن نیست و دارند از هستی و نیستی ساقط می‌شوند. آنها راهی جز اعتصاب و اعتراض ندارند ولی این را هم می‌دانند که کاری از دست مسئولان و مسببان اصلی این این وضعیت برنمی‌آید. بحران و بن‌بست ذاتی ایران است و راهی برای برون‌رفت از آن وجود ندارد مگر آنکه از آن عبور کرد و گذشت. کسانی که مانند محمود صادقی به جای دیدن واقعیت از روحانی می‌خواهند «کاه چه کنم» در دست به جامعه امید بمپاژ کند، هنوز در نیافته‌اند با اقتصاد که قانونمندی‌های خودش را دارد نمی‌توان شوخی کرد. مگر اینکه مانند علی لاریجانی خود را به گیجی زد و گفت خدا به مردم صبر بدهد!

ادامه اعتصاب بازاریـان و عدم امنیت اقتصادی مردم ایران

صفحه اول

رحمت - ایران

اعتصاب در بازارهای تهران، اصفهان، کرمانشاه، قشم، مشهد، تبریز و شیراز که از دوشنبه، چهارم تیر، شکل گرفت و جدی شد، امروز پنجشنبه هفتم تیر نیز برای چهارمین روز پیاپی ادامه یافت.

فاز جدید اعتصابات در شهرهای بزرگ، از بازارهای سنتی و عمده‌فروش‌ها و پاساژهای مشهور و بزرگ که بورس کالا محسوب می شوند شروع و خیلی زود به اعتراضات خیابانی تبدیل شد. چنانکه در تهران اعتصاب‌ها از پاساژ علاءالدین و پاساژ چارسو دو بورس فروش موبایل و تبلت در خیابان جمهوری آغاز شد. اما باید یادآوری کرد که جرقه اعتراضات بازاریان تهران با اعتراض کسبه‌ی باغ سپهسالار از قدیمی‌ترین بورس‌های کیف و کفش سه‌شنبه، ۲۹ خرداد، زده شد و در نهایت به تمام بازار بزرگ تهران و اطراف آن رسید. در دیگر استان‌ها نیز وضعیت کم و بیش به همین ترتیب است و اعتصاب در شهرهای بزرگ از بازارهای کوچک را در بر می‌گیرد اما هنوز اعتراض های خیابانی مانند تهران نیست. همزمان در بعضی از شهرها مثل اراک اگرچه خبری از اعتصاب در بازار نرسید اما گزارش شد که در دو روز گذشته مردم در خیابان‌ها دست به اعتراض علیه شرایط موجود زدند و با پلیس ضدشورش درگیر شدند. به دستور امنیتی‌ها ایستگاه مترو ملت (حوالی بهارستان) به دلیل اعتراضات بازار تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام شده است.

در خیابان لاله‌زار و سعدی که بورس لوازم الکتریکی و برقی و لوسترفروشی است و در بازار ژنراتور و موتوربرق، کسبه مغازه‌ها و پاساژها را تعطیل کرده و دست به تظاهرات زده‌اند. پلیس گاز اشک‌آور شلیک کرده و معترضان سطل‌های زباله را آتش زده‌اند و درگیری با نیروهای امنیتی دربعضی کوچه ها تن به تن شده است. کوچه‌های باریک و آشنایی کسبه با محل باعث شده دست بالا در درگیری‌ها با مردم باشد چون ماشین‌های ضدشورش قادر به رفت و آمد در بافت سنتی این منطقه نیستند. در بازار سلطانی، سرای ملی، مشیرخلوت، معظم‌الدوله، بازارکفاش‌ها و طلافروش‌ها نیز مردم دست به اعتراض زدند و شعار دادند و بارها در همین محدوده درگیری شده است.

ده‌ها فیلم منتشر شده که نشان می‌دهد پلیس ضدشورش و نیروهای امنیتی با باتوم و سنگ اموال مردم را تخریب می‌کنند و فیلم می‌گیرند تا در رسانه‌های حکومتی اعلام شود که کار معترضان است. حال آنکه مردم نیز از تخریب نیروهای تا دندان مسلح رژیم عکس و فیلم گرفته و منتشر می‌کنند تا نشان دهند که خود مأموران رژیم اقدام به تخریب اموال شخصی و عمومی مردم می‌کنند. مسئولان و رسانه‌های ایران چه می گویند؟ حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی حسن روحانی یکی از چهره‌های امنیتی نظام در توییترش نوشته «هسته اصلی اغتشاش در پاساژ علاءالدین و بازار یکی بود. عناصر دست سوم در تور افتاده‌اند.» او تهدید کرده «عاملان و آمران در لیست انتظارند. خبرهایی در راه است»! این افراد، تلاش می‌کنند نارضایتی مردم و اعتراضات آنها را به جناح رقیب نسبت دهند و با خیال آسوده تهدید به سرکوب معترضان می‌کنند. همچنین اصلاح‌طلبان نیز که ظاهرا هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌اند که این اعتراضات را به کجا وصل کنند ادعا می‌کنند اعتراضات را سپاه و اصولگرایان به راه انداخته‌اند تا دولت را زمین بزنند، اما در بین آنها چهره هایی هستند که به نظر می‌رسد عمق بحران را به تدریج درک می‌کنند.

اسماعیل گرامی مقدم از اعضای حزب اعتماد ملی در مصاحبه با روزنامه بهار گفته «من نمی‌توانم قبول کنم که می‌گویند برخی برای زمینگیر کردن دولت این مسائل را به وجود آورده‌اند. اینکه نهادهای اساسی نظام از جمله نهادهای نظامی به دنبال تخریب دولت باشد و بتواند این مسائل را به وجود آورد به نظر من کاملا واهی است زیرا اگر دولت آسیب ببیند، نظام صدمه می‌خورد، بحث معیشت، گرسنگی و پابرهنگی مردم،

صفحه دوم

کلیت نظام را تهدید می‌کند. اگر به شعارهایی که مردم در روزهای گذشته یا در دی‌ماه، فریاد می‌زدند دقت کنید می‌بینید که علیه دولت نیست و اصل نظام را مخاطب قرار داده‌اند!» به این ترتیب هنوز جای امیدواری هست که اصلاح‌طلبانی که خود را به خواب زده‌اند و فکر می‌کنند مردم بیکار هستند که کار و مغازه خود را ول کنند تا علیه دولت هیچکاره‌ی روحانی «توطئه» بکنند، سرانجام چشمان خود را باز کنند و با انکار واقعیت خود را مسخره‌ی خاص و عام و همچنین تاریخ نکنند.

در این میان، نظام نیز برای آرام کردن اوضاع به تکاپو افتاده است. خبرگزاری تسنیم که در روزهای گذشته به فراوانی اخبار دروغ از پایان یافتن اعتصاب‌ها منتشر کرده نوشته است که رؤسای ۱۱ اتحادیه صنفی صبح چهارشنبه عازم سبزه میدان تهران شدند تا با حضور در جمع بازاریان درباره حل و فصل مشکلات اخیر با آنها مذاکره کنند! این در حالیست که نقش «اتحادیه»ها نه نمایندگی از سوی حکومت و دولت بلکه دفاع از منافع شاغلان در صنوف مختلف است! در واقع در یک شرایط سیاسی و اجتماعی طبیعی، می‌بایست مقامات حکومت با این ۱۱ اتحادیه‌ی صنفی که می‌بایست مدافع حقوق شاغلان صنوف خود باشند، وارد مذاکره می‌شدند و نه اینکه رؤسای این اتحادیه‌های غیرمستقل را برای خاموش کردن صدای اعتراضات و اعتصابات به سراغ کسبه و مغازه‌داران و بازاریان بفرستند!

روزنامه کیهان تهران نیز در گزارشی میدانی به نقل از بازاریان تهران نوشته عوامل ناآرامی بازار از کسبه نیستند! این روزنامه در بخشی از گزارش خود نوشته: «کمی جلوتر به مغازه پارچه‌فروشی دیگری می رسیم و با پیرمردی سپیدمو که جلو مغازه کوچکش ایستاده و پیداست سال‌ها در این بازار حضور دارد هم‌کلام می‌شویم. درباره اتفاقات روز دوشنبه می‌گوید: دیروز همه مغازه‌ها باز بودند، اما حوالی ساعت ۱۰ گفتند از سه راه ملی، عده‌ای از کسبه به علت اینکه جنس خارجی دارند و از طرفی نرخ دلار نوسان دارد، اعتراض کرده‌اند. امروز هم عده‌ای که ما آنها را نمی‌شناسیم آمدند و بازار را تعطیل کردند»! رییس پلیس آگاهی تهران از دستگیری ۱۵ دلال ارز و اعلام اسامی ۳۵ شرکت متخلف خبر داده است که خرید و فروش غیرمجاز انجام داده اند و رییس پلیس تهران نیز تهدید کرده با کسانی که مغازه‌داران و بازاریان را تهدید به تعطیلی مغازه‌هایشان می‌کنند نیز «با جدیت برخورد می‌کنیم.»

ویژگی اعتصابات و اعتراضات بازار: در دهه های گذشته اغلب اعتراضاتی که در پایتخت شکل گرفت از جمله اعتراضات تیرماه ۱۳۸۷ و خرداد ۱۳۸۸ در محدوده‌ی خیابان انقلاب، آزادی، بلوار کشاورز و کریمخان بود و محور آن دانشجویان و فعالین سیاسی بودند. در این سال‌ها هر وقت کارشناسان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی به بررسی عوامل و دلایل شکست و سرکوب اعتراضات و جنبش‌های دانشجویی و سیاسی می پردازند به عدم پیوستن کارگران، بازاریان، اقشار فرودست و طبقه متوسط رو به پایین هم اشاره می‌کرده‌اند.

از آنجا که محور اعتراض‌های گذشته در تهران دانشجویان و فعالین سیاسی بودند و جغرافیای اعتراض در محدوده و مناطقی بود که اغلب دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، کتابخانه‌ها، موسسات پژوهشی، دفاتر روزنامه‌ها و نشریات و خبرگزاری‌ها در آن واقع است.

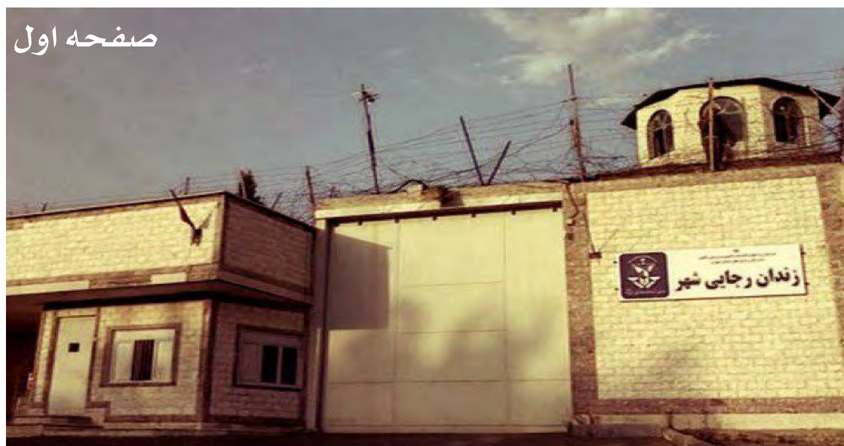
از دی‌ماه سال ۱۳۹۶ به این سو اما محور اعتراضات و اقشاری که در جریان آن هستند تغییر کرده و جغرافیای اعتراضات نیز به مناطق جنوبی‌تر و قدیمی‌تر تهران و همچنین شهرستان‌ها منتقل شده است. محتوای شعارها و مطالبات و انگیزه‌ی افراد نیز تفاوت‌های عمده دارد. حالا کانون تظاهرات فعالی سبزه میدان، گلوبندک، پاچنار و ناصرخسرو و لاله‌زار و جمهوری است تا بازار مبل‌فروشان یافت‌آباد. اما گستره اعتصاب پاساژها و بازارهای مرکزی و شمالی تهران از جمله مجتمع پایتخت در میراداماد را هم در برمی‌گیرد و روی فروش بقیه بازارها و صنوف مختلف تهران نیز تاثیر گذاشته است.

بیانیه زندانیـــان عقیدتـی سیاسی زندان رجایــی شهر کــرج در اعتراض تجـاوز به ۴۱ دختـــر اهل سنت در شهرستـــان ایرانشهر

رحمت - ایران

حقوق و کرامت انسانی یکی از مطالبه‌های جهانی به طور عام و هدف و مطلبی آسمانی و الهی از طرف پروردگار و خالق انسان‌هاست به طور خاص می‌باشد. به ویژه حرمت و کرامت و جایگاه زن که در عرف اصیل و واقعی اقوام با غیرت و با شرافت ایرانی از کرد و بلوچ و فارس و عرب و ترک در مکان رفیع و والایی قرار داشته و به تعبیری زن بنیان و تشکیل دهنده کل جامعه می‌باشد اما متاسفانه امروزه در ایران به شیوه‌های مختلف و گوناگون که اکثرا سیستماتیک و هدفمند است شخصیت و کرامت و متانت و وقار زن مورد هدف قرار گرفته از اسید پاشی به صورت زنان و ناقص کردن آنها گرفته تا تجاوز به عنف و جریحه دار کردن روح و روان و شخصیت و کرامت آنها.

اخیرا شنیدن خبر دل خراش وناگوار تجاوز به ۴۱ دختر اهل سنت در شهرستان ایرانشهر سیستان و بلوچستان قلب همه ما را جریحه دار و متالم ساخت و سختی و ناراحتی و اندوهمان در زندان و اسارت را



مضاعف و چند برابر کرد چون ما همه اقوام مسلمان و متدین ایرانی را برادر و دوست هم می‌دانیم و جزو یک امت واحد هستیم بدون اینکه هیچ فرقی در بین اقوام و قبایل مختلف آنها اعم از کرد و ترک و بلوچ و عرب و فارس قایل شویم و این ۴۱ دختری که قربانی این‌جنایت شدند خواهران ما هستند و تجاوز به آنها و ناموس قوم شریف و بزرگوار و والای بلوچ را مصداق تجاوز به ناموس خود و اقوام دیگر ایرانی می‌دانیم.

تجاوز به نوامیس مردم جدا از اینکه عملی غیراخلاقی و غیر انسانی می‌باشد خط قرمز ماست که به هیچ شیوه‌ای هیچ انسان مؤمن و با غیرتی در مقابل آن کوتاه نمی‌آید و جای هیچگونه تساهل و تسامح و چشم پوشی و لا پوشانی و پشت گوش انداختن نیست. در مرحله اول وظیفه انسانی، اخلاقی و دینی هر مسلمانی و مخصوصا در رأس آنها علمای بزرگ و دلسوز و ربانی اهل سنت می‌باشد که در جایگاه وارثان پیامبر و به عنوان پیش قافله و پیشوا و رهبر مردم که مسولیت سنگینی بر دوششان می‌باشد ایجاب می‌کند که موضع‌گیری شجاعانه و مؤمنانه و خداپسندانه و در سطح بالای اخلاقی و انسانی اتخاذ کنند.

ای مسلمانان ایران و ای جامعه اهل سنت و اقوام مختلف آن که شرافت و کرامت و غیرت در کارنامه شما می‌درخشد جایگاه شما در عمل به این حدیث پیامبر اسلام که رهبر و الگو و اسوه ی حسنه ی ماست کجاست؟!! که می‌فرماید:"من ذب عن عرض أخيه رد الله النار عن وجهه يوم القيامه "

هر کسی که از ناموس و شرف برادرش دفاع کند خداوند آتش را از صورت او بر می‌دارد و مستحق ورود به بهشت خداوند است. و می‌فرماید: " ما من مسلم يخذل امرؤ مسلما فی موضع تنتهک فيه حرمته و ينتقص فيه من عرضه إلا خذله الله فی موطن يحب فيه نصرته و ما من امرؤ ينصر مسلما فی موضع ينتقص فيه من عرضه و ينتهک فيه من حرمته ألا نصره الله فی موطن يحب فيه نصرته " پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : هیچ مسلمانی نیست که مسلمانی را رسوا کند در جایی که هتک حرمت شده و به ناموسش تعرض شده مگر آنکه به سزای این کارش در جایی که دوست دارد یاری و کمک شود خداوند او را خار و ذلیل و رسوا می‌سازد و هیچ شخص مسلمان دیگری نیست که برادرش را یاری دهد در

صفحه دوم

جایی که هتک حرمت شده و به ناموسش تعرض شده مگر آنکه به پاداش این عملش خداوند او را در جایی یاری می‌دهد که به کمک و یاری خداوند نیازمنده و دوست دارد که یاری و کمک شود ".

ما زندانیان عقیدتی سیاسی اهل سنت زندان رجایی شهر کرج در سالن ۲۱ اندرزگاه ۷ مراتب اعتراض شدید خود را به چنین جنایت بزرگی اعلام می‌داریم و به نشانه اعتراض به این حادثه دهشتناک و مطالبه فوری در به مجازات رساندن این متجاوزین به عنف به مدت سه روز اعلام اعتصاب عمومی می‌کنیم و از تمامی علما و رهبران اهل سنت و اقشار مختلف جامعه اعم از فرهیختگان، دانشجویان، متفکران، اندیشمندان، فعالان سیاسی و مدنی خواهانیم که نسبت به این حادثه دل خراش و جنایت غیر اخلاقی و حیوانی اتخاذ موضع کرده و قربانیان این حادثه و خانواده هایشان را در رساندن به حقوق مغتصبه اشان حمایت و پشتیبانی کامل کنند. و ما نیز خود را در این غم و مصیبت با قربانیان این حادثه غیر اخلاقی و حیوانی با خانواده اشان شریک میدانیم و تا رسیدن به حق کاملشان آنها را حمایت وپشتیبانی می‌کنیم.

اسامی امضا کنندگان این بیانیه:

رحمت الله پاکزاد - جمال قادری - حمزه درویش - داود عبداللهی - حسن رشیدی - قاسم آبسته - ایوب کریمی - عبدالرحمن سنگانی - یاسر شرفی پور - تیمور نادری زاده - نامق دلدل - فیروز حمیدی - کامبیز عباسی - سیدتوحید قریشی - سید فرزاد حسینی - یاسر شاهوزهی - عابد جهاندیده - فرزاد شاه نظری - احمد رودینی - صلاح محمدی اقدم - برزان نصرالله زاده - فرشید ناصری - یاسین عباس جوبی - امید حسن پور پلی - حسام‌بادروج - سلیمان پیروتی

تاریخ شروع اعتصاب

شنبه مورخه ۲ تیرماه الی ۵ تیر ماه ۱۳۹۷

رنجنامه زندانی عقیدتی سیاسی اهل سنت
"حمزه درویش" محبوس در زندان رجایی شهر

رحمت - ایران

سلام بر علما و طلاب و مردم بزگوار اهل سنت و عقلای شیعه.

حمزه درویش ۲۵ ساله زندانی اهل سنت، زندانی رجایی شهر کرج، اهل تالش هستم. چند صباحیست که دردی در دل دارم اما توان به زبان آوردن آن را ندارم و هر وقت قلم برمی دارم که برایتان چند سطری از دردهایم بنویسم دستانم شروع به لرزیدن می‌کند و همین امر بی صبرم کرده و زندان برایم سخت می‌گذرد. دردی که مثله یک غده گلویم را می‌فشارد و نفس کشیدن را برایم سخت کرده است و زبان از بیان آن قاصر و قلم از نوشتن آن عاجز می‌باشد.

اما مدتی است که فهمیده‌ام که این دردها و اتفاق‌ها تنها برای من در بازجویی‌ها رخ نداده است، بلکه برای اکثر زندانیان اهل سنت در بازجویی‌ها رخ داده است.

تیر ماه سال ۱۳۹۵ برای دومین بار توسط اطلاعات رشت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدم و مورد شکنجه‌های روحی، روانی و جسمی فراوانی قرار گرفتم. آثار این درد و رنج‌های جسمی بعد از مدتی از بین می‌رود اما این شکنجه‌های روحی و روانی هنوز هم بعد از گذشت تقریبا ۳ سال آثارش هویداست و روح و روانم را جریحه دار و طاقت و توانم را سست کرده است، چون که جای زخم خوب می‌شود، اما جای زخم زبان هرگز.

می‌خواهم با بیان گوشه‌ای از این کابوس وحشتناک، مقداری از این دردها را التیام بخشم. کابوسی که ۱۰ روز بود اما هرگز و هرگز آن روزها از یاد نمی‌رود، که کارشناس اطلاعات می‌آمد و شروع حرفش با هتاکی و فحاشی به ناموس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم(أم المؤمنين عايشه رضی الله عنها)، و خلفای و صحابه و علمای بزرگوار اهل سنت و دیگر مقدسات اهل سنت می کرد. و همچنین هتاکی و فحاشی توسط این کارشناس گیلک زبان به نوامیس قوم تالش زبان صورت گرفت.

این جنایتکاران همانند تاریخ ننگین گذشته آنها که هر روز به شیوه‌ای دیگر به اعتقادات اهل سنت و اقوام و مذاهب آنها توهین آشکار می‌کنند تا راه را برای بی خردان باز کنند. تا بالاخره بعد از ده روز به علت فشارهای روحی وارد آمده به سبب این توهینات و رهایی از شنیدن و تکرار آن، تسلیم خواسته‌های شوم آنها شوم و اعترافات دروغین بر علیه خودم را پذیرفتم.

تا این که بالاخره پس از پایان ۱۲۰ روز انفرادی در بند عمومی اوین شروع به مکاتبه شکایات متعدد از کارشناس مربوطه و ارسال آن برای مقامات و مسئولین قوه قضائیه و وزارت اطلاعات خواستار پیگیری شکایتم شدم و متاسفانه بعد از گذشت تقریبا سه سال کسی به من جوابی نداده است و حتی به صورت مستقیم با نماینده های قوه قضائیه و وزارت اطلاعات در این رابطه صحبت کردم و هیچ جوابی به من نمی‌دادند بلکه یک لبخند شیطانی زده و می‌گفتند که این یک چیز عادی می‌باشد.

امروزه حکومت شیعی ایران، با اجیر کردن و یا با خرج کردن میلیاردها تومان از طریق نظام آموزشی و رسانه ملی این فحاشی‌ها و هتاکی‌ها را در جامعه عادی سازی کند، تا با این کار جایگاه و مقام و منزلت اصلی صحابه را از اذهان مردم به دور کند و روح و ماهیت اصلی اسلام را زیر سوال ببرند، که این در نوع خود نمونه‌ای آشکار از اسلام ستیزی و اسلام هراسی است، منتها به سبک و رنگ و لعابی دینی.

علمای بزرگوار اهل سنت ایران، همانطور که مستحضر هستید حکومت ایران با برگزاری هفته وحدت، می‌خواهد تظاهر کند که شیعه و سنی با هم متحد هستند و هیچ فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد و مراسمهایی را در این راستا برای عوام فریبی برگزار می‌کند، که امروزه تظاهر و تصنعی بودن این ادعا برای کسی پوشیده نیست. اما زندانیان اهل سنت، دیدند و شنیدند که چطور کارشناسان وزارت اطلاعات با پخش کتاب و جزوات سعی در شیعه کردن زندانیان اهل سنت در سلول های انفرادی را دارند؛ کتاب‌ها و جزواتی که محتوای آنها توهین و افترا به صحابه عظیم و مقدسات و همچنین مذاهب ۴ گانه اهل سنت می‌باشد.

دیکته کردن این تفکرات تحت وارد کردن فشارهای روحی و روانی و جسمی و تحمیل آن با قرار دادن مدت‌های طولانی در سلول های انفرادی و یا تهدید به صدور احکام سنگین برای آنها و در صورت تمرد، محکوم کردن آنها به احکام سنگین تحت عنوان و اتهاماتی دروغین.

علمای بزرگوار و وارثان پیامبر عظیم الشأن اسلام، از شما درس مردانگی و شجاعت و دلیری و ایستادگی یاد گرفتم و در تنهایی و خلوت خودم با یادآوری موضع گیری‌های دلسوزانه شما در دفاع از دین خدا و یاری رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و فرزندان این امت کسانی که جوانی شان را در گوشه زندان سپری کردند امثال محمد صابر ملکی‌ها و ... ، مرهمی بر زخم‌هایم می‌یابم.

و امثال بزرگوانی مثل مولانا عبدالحمید اسماعیلزهی و مولانا گرگیج و علمای بزرگوار و دلسوز تالش و اقصی نقاط جامعه اهل سنت. و از شما عاجزانه تقاضامندم با شفقت و دلسوزی پدرانه‌تان ما را در تحمل این دردها یاری دهید.



اخبار کوتاه

- بر اثر بمباران شهرک "المسیفره" حومه درعا توسط جنگنده‌های روسیه بیش از ۲۰ غیرنظامی که اکثر آنان را کودکان تشکیل می‌دهند شهید شده و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند.
- نیروهای رژیم بشار اسد یکی از مدارس استان درعا واقع در جنوب سوریه را هدف قرار دادند. این حمله تلفات جانی دربرنداشته است اما مدرسه به طور کامل تخریب شده است.
- مجاهدان استان درعا اعلام کردند که توانسته‌اند یک جنگنده روسی دیگر را به هنگام بمباران مناطق مسکونی در جبهه "الحراک" ساقط کنند. طی چند روز گذشته این سومین جنگنده نظامیان رژیم اسد و روسیه است که در استان درعا توسط مجاهدان ساقط می‌شود.

آمار جنایت رژیم اسد و همپیمانانش (ایران و روسیه) در درعا

از تاریخ ۳ الی ۵ تیرماه ۱۳۹۷

۲۶
زخمی

حملات هوایی
۱۵۷

بشکه انفجاری
۹۱

۱۸
شهید

بمباران
۲۴۱۶

موشک زمین به زمین
۴۵



اینفوگرافیک
تیر ۱۳۹۷ هـ.ش

هفته نامه